

سلام بر حیدر بابا

Heydərbabaya salam

حیدر بابایا سلام

استاد محمد حسین شہریار

Ustad Mohammadhüseyn Şəhriyar

ترجمہ منظوم: ہادی قربانی

Farscaya çevirən: Hadi Qurbani

فارسجایا چنویرن: ہادی قربانی

شهریار، محمدحسین، ۱۲۸۵-۱۳۶۷.
حیدریابایا سلام. فارسی - ترکی
سلام بر حیدریابا / محمدحسین شهریار؛ ترجمه منظوم: هادی
قربانی. تهران: دستان، ۱۳۸۸.
۱۷۶ ص.؛ ۲۱×۱۴ س. م. مصور.

ISBN 978-964-2987-49-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
ترکی -- فارسی. همراه با نگارش شعر ترکی با حروف لاتین.
شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی.
شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از ترکی
شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴. شعر فارسی -- قرن ۱۴.
قربانی، هادی، ۱۳۵۷- مترجم

۸۹۴/۳۶۱۱

۹۰۳۵ ح ۹ ش / PL۳۱۴

۱۳۸۸

۸۸۸-۱۸۲۹۱۹۸

کتابخانه ملی ایران



انتشارات دستان

میدان انقلاب، خ اردیبهشت، خ وحید نظری، پلاک ۱۴۶، تلفن: ۶۶۹۵۴۸۰۰

نام کتاب: سلام بر حیدریابا

استاد محمدحسین شهریار

ترجمه منظوم: هادی قربانی

چاپ اول: ۱۳۸۹ ♦ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه ♦ چاپخانه: نیل

صفحه آرا: معصومه شکوهی

ISBN : 978-964-2987-49-8

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۷-۴۹-۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

تلفن پخش: ۶۶۴۶۱۰۲۱

مقدمه

آقای «هادی قربانی» از جوانان پرشوری است که میان خود و مرحوم سید محمدحسین شهریار آویزش درونی و پیوستگی آرمانی حس می‌کند و این خود شاید از آن روست که وی نیز مانند آن مرحوم دوران کودکی و نوجوانی خود را در روستا سپری کرده است و با ناب‌گرایی‌ها، سادگی‌ها و صفا و صمیمیت مأنوس گشته و به یکباره از روستا دور شده و اینک با یادآفرینی خاطرات گذشته، به ندای بازگشت به خوشتن، ناخودآگاه خود را داخل در گروه تأثیرپذیرندگان از منظومهٔ وحی‌گونهٔ «حیدربابایا سلام» و جزو پیروان «مکتب حیدربابا» یافته است.

وی پیش از این به‌سروده‌ای را با عنوان «بیزیم‌کنندین کئچن‌گونلری» (روزهای گذشتهٔ روستای ما) در اقتفای منظومهٔ «حیدربابایا سلام» چاپ کرده است و اینک برگردانی موزون از آن به فارسی را به صفّ نعال پارسی‌گویان آورده است.

برگردان منظوم وی در میان سایر برگردانها و ترجمه‌های فارسی، دارای چند ویژگی است که آن را ممتاز ساخته است. وی از بین اوزان عروض فارسی نزدیکترین وزن به وزن هجایی ترکی منظومهٔ «حیدربابایا سلام» با تقطیع «۳+۴+۴»، یعنی وزن «مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ قَعُولُنْ» را برای

شعر خود برگزیده است که این خود سیب شده است ترجمه بیشتر رنگ و بوی متن اصلی را داشته باشد و باعث روانتر و دلنشین‌تر شدن شعر شود. کلمه منادای «حیدربابا»ی موجود در آغاز بعضی بندها را در مصراعهای شعر خود حفظ کرده است. اسامی خاص را با تلفظ و لهجه فارسی آورده است و ترکی وار با اندک لفظ معنایی بسیار را رسانده است. به نظر می‌رسد، وی در آفرینش این بهسروده با آنچه بدان «بازگشت به خویشتن شهریاروار» می‌گوییم، ساعت‌ها و روزها زیسته است، در گزینش تکواژها از مخزن واژگان فارسی، بارها کلنجار رفته و متنی منظوم پرداخته است که «بومی سرایان را به کار آید و پژوهندگان را بلاغت افزاید!»

با توجه به اینکه التزام به حفظ ثغور در لفظ، معمولاً سبب پراکندگی در خط پیوستگی‌های معنایی و زنجیره مصراعها می‌شود، شاعر با مهارت قابل اعتنا، توانسته است پیوستگی معنایی مصراعها را حفظ کند و در هر بند پنج مصراع، تصویرهای عینی و ذهنی تخیل شهریار را بازآفرینی کند، به گونه‌ای که خواننده آشنا به زبان فارسی، هر بند را بدون مکث و درنگ و سکت و در یک نفس می‌خواند و از زیبایی لفظ و معنا و انطباق آن دو با هم نشئه می‌گیرد، توگفتی هر پنج بند یکجا، جمله‌ای بیش نیست که نقطه آن در فرجام مصراع پنجم می‌آید:

ای کاش با این باد می‌پریدم

با سیلها از کوه می‌دویدم

بسر ایل دور افتاده می‌رسیدم

می‌دیدم این دوری تلخ از کیست

ایل و تبارم در چه حال و روزیست

هادی قربانی جوانی است پرشور و پی‌گیر که دغدغه‌های لفظ‌شناسی و معناشناسی در او غلیان دارد و من یقین دارم که باز هم شاهد بهسروده‌ها و بازآفریده‌های ادبی زیبای وی خواهیم بود.

دکتر حسین محمدزاده صدیق

تهران - مرداد ۱۳۸۷

از نگاه هادی بهجت (فرزند استاد شهریار)

روزی که اولین بار نوجوانی سبزخط و رشید از خطه خلخال به دیدنم آمد، قصیده‌ای به فارسی با محتوای روایی از خود خواند که هرچند حاکی از برداشت گامهای نخست و طبع آزمایی وی در این عرصه بود ولی تأکید به جنبه موسیقی شعر و اعتماد به نفس وی به یادم مانده است.

نه سال بعد که ایشان را در کنگره یکصدمین سالگرد تولد استاد شهریار در تبریز دیدم اولین کتاب خود به زبان ترکی به نام «بیزیم کندن کئچن گونلری» (روزهای گذشته روستای ما) را برای چاپ آماده می‌کردند. بازگشت به زبان مادری و خاطرات کودکی را می‌توان تکوین طبیعی و اصیل هنری و شاعرانه وی تلقی نمود.

تصویر مناظر و صحنه‌های رنگارنگ روستای مهد کودکی، آداب و سنن روستایی و بازیهای رایج روستا، بازگویی خصوصیات شخصیت‌های روستایشان اعم از اقوام دور و نزدیک، ذکر روستاهای منطقه و... گویای جامعیت این اثر ایشان می‌باشد. شاعر در فصول مختلف به حیات اجتماعی و سرنوشت تاریخی انسان روستایی نظر افکنده، از کند و کاو در فلسفه کلی حیات از دیدگاه خود و کوشش در بیان بنیادها نیز دریغ نمی‌ورزد و به این طریق به وجدان هنری و پختگی اندیشه‌اش صحنه